

# بررسی نقش و رنگ در منسوجات شوستر از دیرباز تا کنون و به کارگیری آن‌ها در پوشاک امروزی

معصومه بویری منجی

مدرس دانشگاه

m.b65monji@gmail.com

## چکیده

جستجو پیرامون خاستگاه و ماهیت پارچه موسوم به دیبای شوشتی که اکنون نمونه‌ای از آن برجای نمانده است، به واکاوی مستندات تاریخی در متون منظوم و منثور می‌پردازیم و می‌کوشیم تا با استفاده از این شواهد توصیفی، تحلیلی و تاریخی، الگویی تصویری از دیبای شوشتی ارائه نماییم. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها (که نخستین ساکنان آریایی ایران زمین بوده‌اند) حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین دار و شلوار تا میچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها، داشته‌اند. با توجه به شواهد و توصیف‌هایی که از دیبای شوشتی در منابع مکتوب آمده، درمی‌یابیم که پارچه مذکور منسوجی ابریشمین و زربفت بوده است که بافت آن از روزگار شاپور دوم ساسانی، با مهاجرت بافندگان سوری به ایران، در شهر شوستر توسعه یافته و پس از اسلام نیز با حمایت خلفا و حاکمان ایرانی تا قرن‌ها کاربرد داشته است. منابع مکتوب بر بافت تصاویر انسانی و گیاهی بر دیبای شوشتی اشاره دارند که می‌توان آن‌ها را با طرح‌های رایجی همچون مدالیون تصور نمود. رنگ آن نیز اغلب ارغوانی و یا سبز بوده است تارهای داخلی جفتی (مزدوج) از ویژگی‌های ابریشمین‌های شوستر بوده و طرح سرژه (کج‌راه) با تکرار نخ‌های پود دو درمیان، قابلیت نقش‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌داده است. حوز کاربرد این منسوج به‌ویژه در دور اسلامی با برپایی کارگاه‌های طراز در شوستر گسترش یافته و سرزمین‌های دیگری همچون مصر و بیزانس را در برمی‌گرفته است، اما عصر طلایی بافت دیبا در سده‌های هفتم و هشتم هجری، همزمان با حمل مغول به ایران، روبه‌زوال نهاد.

**واژگان کلیدی:** منسوجات، کهن، شوستر، لباس و تاریخچه

## مقدمه

نخستین ابزار ریسندگی در نزدیکی بهشهر در غار کمر بند پیدا شده است که مربوط به ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. در ناحیه سه گابی کردستان از درون تابوتهای سفالین محتوی اجساد کودکان شواهد باستان‌شناختی درباره منسوجات مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد به دست آمده است. در تپه سیلک، آینه‌ای پیدا شده است که رشته‌هایی از کتان روی آن دیده می‌شود.

همچنین در کهن‌ترین بخش شهر شوش، سوزنی سوراخ‌دار یافت شده است (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷). افزون بر آن دو سرنیزه پیدا شده که از نقوش پارچه‌هایی پوشیده شده بودند که متعلق به ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد هستند. شاید جالب باشد که اسکندر مقدونی هنگامی که ایران را فتح کرده بود، لباس ایرانی می‌پوشید. ایرانیان از بیش از ۱۰ هزار سال پیش دارای تمدن بوده‌اند. از این رو، ریشه‌ی بسیاری از دستاوردهای بشر را در این تمدن می‌توان یافت. برای مثال، نخستین ابزار ریسندگی و بافندگی در غار کمر بند، نزدیک به شهر، یافت می‌شود که به ۷ هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. به علاوه، در قدیمی‌ترین بخش‌های شهر باستانی شوش، که در خوزستان قرار دارد، سوزن‌های سوراخ‌دار پیدا می‌شود. این دستاوردهای و نوآوری‌های دیگری که در دوره‌های بعدی رخ داد، صنعت پارچه و پوشاک ایران را پیشتاز و سرآمد جهانیان کرد. بافتن و دوختن تن‌پوش از جمله نیازهای نخستین بشر بوده است، ولی این که در چه زمانی تن‌پوش گیاهی و سود جستن از پوست نباتات و حیوانات برای پوشش بدن، به صورت تن‌پوش پارچه‌ای در آمده و بشر پیروز به فراگرفتن فن بافندگی می‌شود به درستی روشن نیست. در فلات ایران همراه با دیرینه‌ترین نشان‌های زندگی بشر، نشانه‌ها و ابزارهایی از فن بافندگی به دست آمده که می‌رساند از چندین هزار سال پیش، تیره‌های ایران باستان، با فن ریسندگی و بافندگی آشنایی داشته‌اند. گیرشمن می‌نویسد: «شمار شایان نگرش، چنبره‌های دوک که از گل رس یا از سنگ ساخته شده، در سیلک کاشان، نشان آن است که انسان قدیم، مبادی صنعت بافندگی را می‌شناخته است.» پس از توسعه جامعه‌های انسانی و شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و پدیدار شدن عقاید و آرمان‌های قومی و دینی - مذهبی، پوشاک و جنس، رنگ، شکل و دوخت هر تکه جامه نقش و معنای فرهنگی یافت و کارکرد نمادین ارتباطی آن‌ها آشکار و برجسته شد. امروزه هر پاره از پوشاک و آرایه‌های مربوط به آن‌ها بنابر ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ای که در آن‌ها به کار می‌روند، به صورت رمزی مفهوم یا مفاهیمی را می‌رسانند (ترمذی، ۱۳۴۴). لباس مانند زبان علاوه بر هویت قومی، اجتماعی و جغرافیایی، وابستگی‌های شغلی - صنفی، سیاسی، مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی، همچنین تفاوت‌های سنی و جنسی را مشخص می‌کند. برای اینکه عملکرد اجتماعی و فرهنگی پوشاک در هویت‌سازی قشرهای جامعه‌ای را دریابیم و بدانیم که چگونه پوشاک هویت اجتماعی و فرهنگی فرد و گروه را در اجتماعات گوناگون ایلی - عشیره‌ای، روستایی - دهقانی و شهری بازمی‌نماید و آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند، لازم است پوشاک مردم را همچون مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی مادی بنگریم و بررسی و تحلیل کنیم (دیماند، ۱۳۶۵). نساجی و رنگرزی و منسوجات و نقش و نگارهای در دوره‌های مختلف تاریخی شامل هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان مورد بحث است. پارچه‌های بافته شده در شوشتر ریشه در تاریخ دارد که در تجارت و رونق اقتصادی منطقه نقش بسزایی داشته است، ظرافت و عمر کوتاه منسوجات نسبت به دیگر موارد فرهنگی سرزمین ایران، موجب شده است که بسیاری از بافته‌های باارزش در گذر قرون از میان‌رفته و امکان بررسی عینی آن‌ها میسر نشود، از این روی تنها با اطلاعات برجای مانده در منابع مکتوب و نیز بازنمایی‌ها بر روی دیگر آثار هنری، می‌توان به شناختی نسبی از آن‌ها رسید (الوند، ۱۳۵۵؛ امیری و امیری، ۱۳۹۶). بافت دیبای شوشتری، از دوره شاپور دوم ساسانی آغاز و پس از اسلام توسعه یافته است. این پارچه

ابریشمین الوان و زربفت دارای بافت سرژه (کج‌راه) و اغلب به رنگ‌های سبز و ارغوانی تولید می‌شد و به احتمال قریب به یقین نقش مایه‌های نمادین منسوجات ساسانی را بر خود داشته است. دیبای شوشتری همواره مورد توجه خلفا ایرانی و فرمانروایان ایرانی بود و به صورت طراز، خلعت و مالیات مبادله می‌شد. افول این دیبای با ارزش را می‌توان در سده‌های هفتم و هشتم هجری، همزمان با حمله مغول به ایران دانست (اقتداری، ۱۳۷۵). قرن‌های متمادی است که بشر به الیاف و بافت پارچه دست یافته است، در عهد قدیم ساسانیان از گیاهان مختلف الیاف را استخراج می‌کردند و معتقد بودند که الیاف طبیعی پوشش مناسبی برای تن است که علم امروز بشر هم آن را اثبات کرده است. الیاف طبیعی توانایی سازگاری با شرایط آب‌وهوایی و بدن انسان و جلوگیری از حساسیت‌ها و آلرژی‌های میکروبی را دارد. در بحث نساجی، الیاف طبیعی متنوعی وجود دارد نمونه‌ای از این الیاف دیبا (پرنده) است؛ اما برخلاف دیگر مواریث بشری که در رهگذر تاریخ، از حوادث و نامایمات گوناگون گذر نموده و در قالب بناها، نگاره‌ها و نقوش، به بخشی از میراث فرهنگی تبدیل می‌شوند و بر تارک گنجینه‌های هنری می‌درخشند، تاروپود یکی از با ارزش‌ترین وجوه هنر ایران، یعنی بافته‌های گران‌بهایی که در سیر ادوار چشم و اندیشه‌ی جهانیان را مسحور خود نموده بود و از کارآمدترین ابزار انتقال فرهنگ این سرزمین به شمار می‌رفت، از هم‌گسیخته شده است و جز در منابع مکتوب و اندک نگاره‌های تصویری، نشان دیگری از آن برجای نمانده است (الوند، ۱۳۵۵). معدود نمونه‌های بازمانده از این منسوجات کهن نیز نه از کاوش‌های باستان‌شناسی که از نمونه‌های انتقال‌یافته به دنیای مسیحیت به دست ما رسیده است که همین مسئله کشف منشأ و خاستگاه آن‌ها را دشوار می‌سازد، اما منابع نوشتاری سرشار از توصیف‌هایی است که از میان آن‌ها می‌توان تاندازه‌ای به خاستگاه، ارزش اجتماعی، ویژگی‌های فنی و هنری همچون طرح، رنگ، شیوه بافت، نقش مایه‌ها و اصولاً سیر تاریخی نوع خاصی از منسوجات پی برد. تحقیق حاضر می‌کوشد تا با بررسی و شناخت بیشتر این گنجینه ارزشمند و همچنین با واکاوی منابع در این حوزه به یافته‌هایی در زمینه گونه‌ای از دیبا، به نام دیبای شوشتری، دست یابد و با تطبیق این یافته‌ها با شواهد باستان‌شناختی و نظرات پژوهشگران، ابزاری برای شناخت نسبی و احیای مجدد این منسوج ارزشمند و ناشناخته باستانی ارائه نماید. به همین منظور با توجه به منابع تاریخی و ادبی به بررسی تاریخچه بافت و ویژگی‌های فنی و هنری دیبای شوشتری پرداخته می‌شود، اما ابتدا در جهت شناخت بیشتر موضوع، به بررسی اجمالی و مرور کلیاتی پیرامون منسوجات ساسانی ارائه می‌گردد (برزین، ۱۳۴۶؛ امیری و امیری، ۱۳۹۶). پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بافندگی از نخستین حرفه‌های صنعتی و حتی از سفالگری قدیمی‌تر است و ساکنان فلات ایران از اولین ابداع‌کنندگان این فن بودند. یافته‌های باستان‌شناسی در تپه سراب و غار کمربند نشان داده است پشم نخستین الیاف مورد استفاده در پارچه‌بافی بوده است. استفاده از کرک بز که به موه‌ر شناخته می‌شود نیز رایج بوده همچنین کتان، کنف، پنبه و ابریشم نیز از جمله الیافی بودند که برای بافت پارچه از آن‌ها استفاده می‌شد. آشوری‌ها در سده هفت قبل از میلاد در شمال بین‌النهرین، به تولید ابریشم می‌پرداختند. هخامنشیان نیز با فراگیری این فن از آشوری‌ها، ابریشم را به یونان صادر می‌کردند. از سده سوم تا هفتم میلادی، بافندگی ایران به دلیل داشتن کیفیت و نقش‌های پرشکوه و رنگی شفاف ممتاز

بود. پیدا شدن پارچه‌های ایرانی در حفاری‌های تاریخی در تاجیکستان چین، ژاپن، فرانسه، قفقاز و ایتالیا و همچنین مصر این ادعا را ثابت می‌کند. نقوش مورد استفاده در پارچه‌ها، نگاره‌هایی آمیخته با تصاویر جنگاوری و شکار بود که مورد پسند فرمانروایان صدر اسلام و اروپای قرون وسطی قرار گرفت و میراث ساسانی که مبتنی بر مقام پادشاهی و شمایل‌گری بود یک‌باره سراسر جهان را فراگرفت و تا ۵ قرن پس از انقراض این سلسله باقی ماند. امیری و همایری وحدت طلب در سال ۱۳۹۱ در پایان‌نامه خود با عنوان طراحی و ساخت نقش برجسته سفالین با الهام از نقوش البسه نقاشی شده ظروف مینایی قرن ۶ و ۷ هجری قمری به‌طور خلاصه به این موضوع پرداخته است که از ویژگی‌های بارز هنر اسلامی در ایران، نقش‌مایه‌های تزئینی آن است. عناصر تزئینی در تمامی هنرهای اسلامی متجلی بوده است و از جایگاه درخور توجهی برخوردار است. سفالینه‌های مینایی قرن ۶ و ۷ ق نیز مجموعه‌ای غنی از نقش‌مایه‌ها و نگاره‌های تزئینی است که توجه به جزئیات و از جمله تزئینات لباس پیکره‌های نقوش در ظروف از خصوصیات منحصر به فرد آن است. در این پژوهش با نگاهی به سفالینه‌های مینایی و تأکید بر نقوش تزئین شده بر البسه پیکره‌های انسانی ظروف، طراحی و ساخت نقش برجسته سفالی مدنظر قرار گرفت که در آن با استفاده از ماده گل به دلیل قابلیت شکل‌پذیری بالای آن و انتخاب نقش برجسته برای ارائه هر چه بهتر نقوش بر روی آن بکار گرفته‌اند. به دلیل اهمیت این دوره‌ی تاریخی پژوهش حاضر توصیفی-تاریخی است و در پایان می‌توان از این نوشتار این‌گونه استنباط کرد که با شناسایی نقوش مزین یافته بر پیکره‌های نقاشی شده بر ظروف مینایی و نحوه تحلیل و ترکیب‌بندی آن‌ها که بر پایه موازین خاص برقرار بوده، در طراحی و ساخت سفال معاصر به گونه‌ای انجام گیرد که علاوه بر ماهیت و ویژگی‌های بارز نقوش، آن‌ها را با زندگی و سلیقه معاصر هماهنگ کرد. در پژوهشی طهماسبی (۱۳۹۴) به تحلیل و بررسی پارچه‌های بافته شده در منطقه شوشتر (بررسی موردی پارچه دیبای شوشتر) پرداخت. در این پژوهش مطالعه‌ای مردم‌شناسانه پیرامون پارچه‌های دستباف شوشتر با تأکید بر پارچه‌ی دیبا در دوره ساسانی و عصر حاضر و بر اساس نظریه‌ی مردم‌شناختی کارکردگرایی (برونیسلاو مالینوفسکی) انجام گرفته است (امیری و امیری، ۱۳۹۶). فرهود و پور جعفر (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس) پس از ترسیم پیش‌زمینه‌های تاریخی، سیاسی و هنری و ارتباط امپراتوری ساسانی و روم شرقی با روش تاریخی، تحلیلی و مقایسه‌ای، به بررسی چگونگی تأثیر بافته‌های ساسانی بر منسوجات بیزانس پرداخته‌اند. تمرکز آن‌ها بر نقش‌مایه‌ها، مضامین به‌کاررفته در طراحی بافته‌ها و ترکیب‌بندی منسوجات ایران ساسانی و امپراتوری بیزانس بوده، ضمن این‌که توجه به تقابل نقش و معنا نیز از نظر دور نمانده است. تقی‌پور و فهیمی صفا (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های دوره سلجوقی با قاجار به این موضوع پرداخته است که استفاده از پارچه به دلیل محافظت از بدن و میل به زیبایی، همواره یکی از نیازهای اساسی انسان در زندگی بوده است. مهارت و ابتکار ایرانیان در هنر بافندگی از پیشینه‌ای بسیار طولانی برخوردار است. دوره‌ی حکومت سلسله‌ی سلجوقی یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران به شمار می‌رود. خلیل‌زاده (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی به این بحث پرداخته است که پارچه‌بافی از جنبه کاربردهای فراوانی که در میان تمامی اقشار

جامعه دارد، یکی از پیشروترین و گسترده‌ترین صنایع در بین کشورهای مسلمان، از جمله ایران و هند به شمار می‌رود. به همین دلیل سده‌های نهم تا یازدهم هجری قمری-پانزدهم تا هفدهم میلادی از نظر پیشرفت و گسترش هنر پارچه‌بافی صفوی و گورکانی با اهمیت است. این دو با داشتن ارتباط فرهنگی و هنری در سده‌های پیشین، به ویژه در زمان حکومت صفویه، تأثیرات بسیاری در هنرهای مختلف، به ویژه هنر پارچه‌بافی بر یکدیگر داشته‌اند. در این پژوهش با مطالعه هنر پارچه‌بافی ایران عهد صفوی، تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری آن با یکی از تمدن‌های هم‌عصرش یعنی تمدن مغولی هند (گورکانی)، به صورت تطبیقی بررسی می‌گردد. محور اصلی این پژوهش؛ طرح‌ها و نقش‌های بافته‌شده در پارچه‌های صفوی و گورکانی است، بر همین اساس، ابتدا ویژگی‌ها و شیوه‌های پارچه‌بافی صفوی و گورکانی بررسی و سپس با دسته‌بندی طرح‌ها و نقوش بافته‌شده به سه گروه نقوش، انسانی، حیوانی و نقوش خط‌نگاره نمونه‌های به دست آمده از پارچه‌های هر دوره به صورت تطبیقی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

## روش تحقیق

در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی، توصیفی و با گردآوری منابع کتابخانه‌ای به بررسی نقش و رنگ در منسوجات شوستر از دیرباز تا کنون و به کارگیری آن‌ها در پوشاک امروزی پرداخته شد و نتایج به شرح ذیل گردآوری گردید.

## یافته‌ها

در جدول ۱ توصیف جنسیت افراد مدنظر را نشان می‌دهد.

جدول ۱- جنسیت افراد تحت بررسی

نوع جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
زن	۱۰	۵۰	۵۰
مرد	۱۰	۵۰	۱۰۰

با توجه به جدول و نمودار بالا به نظر می‌رسد غالب افراد مورد مطالعه از گروه مردان بوده‌اند. در این گروه ۵۰ درصد کل نمونه مورد بررسی قرار دارند. زنان نیز تنها ۵۰ درصد از جمعیت نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

**جدول ۲- بررسی وضعیت تحصیلات**

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات
۴۰	۴۰	۸	لیسانس
۹۰	۵۰	۱۰	فوق لیسانس
۱۰۰	۱۰	۲	دکتری

با توجه به جدول تحصیلات افراد می توان بیان نمود که ۵۰ درصد از افراد مورد مطالعه در گروه فوق لیسانس قرار دارند. هم چنین ۴۰ درصد در گروه افراد با مدارک لیسانس و ۱۰ درصد نیز در گروه افراد با مدرک تحصیلی دکتری می باشند.

**جدول ۳- بررسی وضعیت سن در نمونه تحقیق**

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	گروه سنی
۳۵	۳۵	۷	زیر ۲۰ سال
۸۰	۴۵	۹	۲۰ الی ۳۰ سال
۱۰۰	۲۰	۴	۳۰ سال به بالا

# اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگه شهری

در بررسی وضعیت سنی به نظر می‌رسد با توجه به نتایج ارائه شده در این بخش ۴۵ درصد افراد که غالب گروهی نمونه را تشکیل می‌دهند در گروه افراد میان‌سال با سنی بین ۲۰ الی ۳۰ سال می‌باشند. هم‌چنین ۳۵ درصد افراد دارای سن زیر ۲۰ سال بوده‌اند و در نهایت ۲۰ درصد دارای سن بالای ۳۰ سال می‌باشند. این گروه سنی کمترین گروه را در مؤلفه سن تشکیل داده‌اند.

پوشاک بدن انسان را از آب و هوا و دیگر مخاطرات موجود در طبیعت حفظ می‌کند. هم‌چنین پوشاک می‌تواند برای راحتی، حجب و حیا و نیز برای ایمنی مورد استفاده قرار گیرند. می‌توان پوشاک را نشان‌دهنده باورهای مذهبی، فرهنگی و دیگر معانی اجتماعی دانست. امروزه و در قرن ۲۱ استفاده از پوشاک بیشتر به خاطر پیروی از مد و شیک پوشی است تا به خاطر راحتی و دیگر استفاده‌های آن. نوع لباس و پوشاک در ایران باستان هم بنا به شرایطی که بوده است همیشه سبک و اسلوب خاصی داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پوشش تمام بدن در دوره‌های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در ایران یک حقیقت بوده است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی‌برده‌اند؛ اما این را بایستی در نظر داشت که پوشش کامل و آراسته همراه با تزیینات زنان در ایران، با پوشش چادر سیاه بسیار متفاوت بود و سبک خاص خودش را داشته است. برخی معتقد هستند که این پوشش کامل و آراسته به نوعی ریشه به وجود آمدن حجاب در دنیا است. تاریخچه پوشش در ایران نیز پیوندی عمیق با حجاب، به معنای پوشش کامل و زیبایی‌شناسی و زیبایی دوستی دارد. سرزمین ایران سرآمد زیبایی‌ها و ظرافت‌هاست، مردم ما حامل فرهنگی عمیق و ریشه‌دار، با آمیزه‌ای از دین و تاریخ هستند. تاریخی که در اقصا نقاط عالم ریشه دوانده است. هراندازه فرهنگ و هنر یک سرزمین با بنیان‌های اعتقادی و فکری و دیرپای ملتی مرتبط باشد، بر عمق عظمت حس زیبایی‌شناختی مردم آن سرزمین تأثیر می‌گذارد. تجلیات پوشش و انتخاب نوع لباس و پوشاک در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها (که نخستین ساکنان آریایی ایران زمین بوده‌اند) حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین‌دار و شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها، داشته‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. در زمان زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و هم پای مردان به کار می‌پرداختند؛ و این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فساد برانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای بوده است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد

# اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگه شهری

که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران زیبایی او را بنگرند، وی امتناع کرد و برای این سریچی، به حکم داوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد.

با توجه به شواهد و توصیف‌هایی که از دیبای شوشتری در منابع مکتوب آمده، درمی‌یابیم که پارچه مذکور منسوجی ابریشمین و زربفت بوده است که بافت آن از روزگار شاپور دوم ساسانی، با مهاجرت بافندگان سوری به ایران، در شهر شوشتر توسعه یافته و پس از اسلام نیز با حمایت خلفا و حاکمان ایرانی تا قرن‌ها کاربرد داشته است. جنس ظریف و کاربرد الیاف زر و سیم، دیبا را به صورت منسوجی درخشان و گران‌بها از دیگر پارچه‌ها ممتاز و متمایز ساخته بود. منابع مکتوب بر بافت تصاویر انسانی و گیاهی بر دیبای شوشتری اشاره دارند که می‌توان آن‌ها را با طرح‌های رایجی همچون مدالیون تصور نمود. رنگ آن نیز اغلب ارغوانی و یا سبز بوده است تارهای داخلی جفتی (مزدوج) از ویژگی‌های ابریشمین‌های شوشتر بوده و طرح سرژه (کج‌راه) با تکرار نخ‌های پود دو در میان، قابلیت نقش‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌داده است. حوز کاربرد این منسوج به‌ویژه در دور اسلامی با برپایی کارگاه‌های طراز در شوشتر گسترش یافته و سرزمین‌های دیگری همچون مصر و بیزانس را در برمی‌گرفته است، اما عصر طلایی بافت دیبا در سده‌های هفتم و هشتم هجری، همزمان با حمل مغول به ایران، روبه‌زوال نهاد.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد و توصیف‌هایی که از دیبای شوشتری در منابع مکتوب آمده، درمی‌یابیم که پارچه مذکور منسوجی ابریشمین و زربفت بوده است که بافت آن از روزگار شاپور دوم ساسانی، با مهاجرت بافندگان سوری به ایران، در شهر شوشتر توسعه یافته و پس از اسلام نیز با حمایت خلفا و حاکمان ایرانی تا قرن‌ها کاربرد داشته است. جنس ظریف کاربرد الیاف زر و سیم، دیبا را به صورت منسوجی درخشان و گران‌بها از دیگر پارچه‌ها ممتاز و متمایز ساخته بود. منابع مکتوب بر بافت تصاویر انسانی و گیاهی بر دیبای شوشتری اشاره دارند که می‌توان آن‌ها را با طرح‌های رایجی همچون مدالیون تصور نمود. رنگ آن نیز اغلب ارغوانی و یا سبز بوده است تارهای داخلی جفتی (مزدوج) از ویژگی‌های ابریشمین‌های شوشتر بوده و طرح سرژه (کج‌راه) با تکرار نخ‌های پود دو در میان، قابلیت نقش‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌داده است. حوز کاربرد این منسوج به‌ویژه در دور اسلامی با برپایی کارگاه‌های طراز در شوشتر گسترش یافته و سرزمین‌های دیگری همچون



# اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگه شهری

مصر و بیزانس را در برمی گرفته است، اما عصر طلایی بافت دیبا در سده‌های هفتم و هشتم هجری، همزمان با حمل مغول به ایران، روبه‌زوال نهاد.

موضوع اصلی و همین‌طور ناراحت‌کننده هنگام مصاحبه خیلی از افراد حاضر (۷۵ درصد شرکت‌کنندگان) در مورد اصول اشکال و قدمت طرح‌ها اطلاعات کافی را نداشتند و موضوع اصلی اطلاع‌رسانی بیشتر در مورد تاریخچه و فرهنگ پوشش و شهرستان‌ها باید باشد و برای بهبود بیشتر پیشنهاد به مطالعات کتاب‌منسوجات ایرانی «نوشته جنیفر وردن و پاتریشیا ل. بیکر ترجمه مهران محبوبی و همین‌طور کتابی با عنوان» نقش مایه‌های انسانی در منسوجات ایرانی نوشته شده توسط دکتر مریم مونس سرخه است که کمک فراوانی در جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در این پایان‌نامه نیز کرده‌اند.

با توجه به شواهد و توصیفات که از دیبای شوشتری در منابع مکتوب ذکر شده، می‌فهمیم که جنس پارچه‌ی مذکور از ابریشم و طلا بوده است که بافت آن از عصر شاپور دوم ساسانی، با مهاجرت نساجان سوری به ایران، در شوشتر توسعه یافته بود و پس از ورود اسلام نیز با پشتیبانی خلفا و حکام ایرانی تا قرن‌ها کاربرد داشته است. جنس ظریف و کاربرد الیاف طلا و نقره، دیبا را به شکل منسوجی درخشان و ارزشمند از دیگر پارچه‌ها ممتاز و متفاوت ساخته بود. منابع نوشتاری بر بافت طرح‌های انسانی و گیاهی بر دیبای شوشتری اشاره دارند که می‌توان آن‌ها را با تصاویر مرسوم مانند مدالیون تصور نمود. رنگ آن نیز اغلب ارغوانی و یا سبز بوده است تارهای داخلی جفتی (مزدوج) از خصوصیات ابریشمین‌های شوشتر بوده و طرح سرژه (کج‌راه) با تکرار نخ‌های پود دو در میان، قابلیت نقش‌پذیری آن‌ها را بهبود می‌داده است. حوز کاربرد این بافته به‌خصوص در دوره‌ی اسلامی و با برپایی کارگاه‌های طراز اول در شوشتر توسعه یافته و سرزمین‌های دیگری چون مصر و بیزانس را در برمی گرفته است، ولی عصر طلایی بافت دیبا در قرون هفتم و هشتم هجری، هم‌زمان با یورش مغول به ایران، رو به افول گذاشت.

## منابع

- اقتداری، احمد، ۱۳۷۵، آثار و بناهای تاریخی خوزستان: دیار شهریاران، جلد ۲، تهران، توسط انتشارات انجمن آثار ملی.  
الوند، الف، ۱۳۵۵، صنعت نساجی ایران از دیرباز تا امروز، انتشارات دانشگاه صنعتی پلی تکنیک: تهران.  
امیری، عفت و امیری عصمت، تزیینات پارچه در ایران باستان، رشد آموزش هنر، شماره ۱، دوره ششم، ۱۳۹۶.  
برزین، پروین، ۱۳۴۶، پارچه‌های قدیم ایران، هنر و مردم.

# اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگه شهری

پیگولوسکایا، د، ۱۳۶۷، شهرهای ایران در روزگار ساسانیان و پارتیان، ترجمه عنایت الله رضا، فصل اول، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، چاپ اول.

ترمذی، ادیب، ۱۳۴۴، دیوان ادیب صابر ترمذی، (تصحیح و اهتمام محمدعلی ناصح)، ج ۱، انتشارات مطبوعاتی علمی: تهران.

تقی پور، پریسا و فهیمی صفا، ملیحه، بررسی تطبیقی نقوش پارچه های دوره سلجوقی با قاجار، چهارمین کنفرانس بین المللی، پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ روسیه، مردادماه ۱۳۹۵.

خلیل زاده مقدم، مریم و صادق پور فیروزآباد، ابوالفضل، بررسی تطبیقی نقوش پارچه های صفوی و گورکانی، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۱، ۳۸-۲۱.

دیماند، ۱۳۶۵، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، فصل اول: کلیات، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران.  
طهماسبی، زهرا، ۱۳۹۴، تحلیل و بررسی پارچه های بافته شده در منطقه شوشتر (بررسی موردی پارچه ی دیبای شوشتر)، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکده هنر و معماری تهران.

فرمود، فریناز و پور جعفر، محمدرضا، بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس)، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۸۶، ۶۵-۷۶.